

# روان‌شناسی تحول دینداری

دکتر محمود نوذری

زمستان ۱۳۹۶

نوذری، محمود، ۱۳۳۸-  
روان‌شناسی تحول دینداری / محمود نوذری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۶.  
دوازده، ۲۹۹ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۲۸: علوم تربیتی؛ ۴۸) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۱۵۵: علوم تربیتی؛ ۹۷)  
بها: ۱۷۵۰۰۰ ریال  
فهرست‌تجویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۲۸۷]-۲۹۴.  
نمایه.  
۱. تحول (روان‌شناسی) - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. روان‌شناسی مذهبی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب.  
عنوان.  
۱۳۹۶ ۹ ز ۹ ن / ۶۵ / ۲۳۲ BP شماره کتابشناسی ملی  
۴۸۵ / ۲۹۷ شماره کتابشناسی ملی  
۵۱۰۰۱۶۴



## روان‌شناسی تحول دینداری

مؤلف: محمود نوذری (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)  
«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه»، «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی» و «شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی»  
ویراستار: مرتضی برزگر بفرویی  
صفحه‌آرایی: کاما  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶  
تعداد: ۱۵۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم - جعفری  
قیمت: ۱۷۵۰۰۰ ریال

### کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب یا ذکر مأخذ پلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۳۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۳۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص.پ. ۳۱۵ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ 'نقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰  
فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/rihu](http://www.ketab.ir/rihu) info@rihu.ac.ir [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)  
ساختمان مرکزی: تهران: بزرگراه آل‌احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● مرکز پخش و نمایشگاه دائمی: تهران: خ 'نقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۴۰۵۶۷۸، نمابر: ۶۴۰۸۱۲۰ [www.samt.ac.ir](http://www.samt.ac.ir) info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آسایش انسان به این است که روح انسان راحت باشد.

صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۷۴

## سخن ناشران و شورای تحول

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تکمیل این مقصود (بازنگری و تدوین سرفصل‌ها و منابع علمی معتبر با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی)، در تاریخ ۸۸/۷/۲۱ یک شورای تخصصی را به عنوان مرجعی ثابت برای تحول و سیاست‌گذاری و نظارت در حوزه علوم انسانی تعیین کرد و آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی را به تصویب رساند.

شورای تحول پس از تدوین و تصویب برنامه‌های آموزشی دروس و سرفصل‌های جدید رشته‌های علوم انسانی، تألیف متون درسی دانشگاهی را مطابق با سرفصل جدید با دعوت از اندیشمندان و اساتید برجسته دانشگاهی و حوزوی در دستور کار خود قرار داد.

سازمان «سمت» و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان عضو از اعضای شورای تحول با سابقه طولانی و تجربه موفق چندین دهه خویشتن در تألیف و ترجمه منابع علوم انسانی در کنار مأموریت مصوب خویشتن در تحقق اهداف شورای تحول نیز همکاری نزدیک داشته است و اولین اثر مشترک سه‌جانبه خود را با عنوان روان‌شناسی تحول دینداری به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

دشواری تألیف متون درسی دانشگاهی بر اهل نظر پوشیده نیست و به همین جهت در این راه نیل به کمال مطلوب می‌باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که استادان محترم از این همیاری و راهنمایی دریغ نوزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این دو نهاد را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته روان‌شناسی گرایش روان‌شناسی دین در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان منبع درس تخصصی «تحول دینداری» به ارزش ۲ واحد تدوین شده و برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی، در درس روان‌شناسی دین، قابل استفاده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

## فهرست مطالب

۱	دیباچه
۵	کلیات: درآمدی بر نظریه‌پردازی روان‌شناختی تحول دینداری
۵	مقدمه
۷	تعریف تحول و روان‌شناسی تحول
۷	تعریف دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی
۹	تعریف و موضوع روان‌شناسی تحول دینداری
۱۰	انتظار از نظریه‌های تحول دینی
۱۱	سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری
۱۲	دوره اول: سیطره چهل‌ساله رویکرد شناختی تحول دینی
۱۲	دوره دوم: نقد رویکرد شناختی تحول دینی و ارائه نظریه‌های جایگزین
۱۳	رویکرد کارکردی - بنیادین کویلسکی
۱۳	نظریه‌های شناختی - فرهنگی تحول معنوی
۱۴	سیر معنوی کودک
۱۵	فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی تحول دینداری
۱۷	روش تحقیق در حوزه مطالعات تحول دینداری
۲۰	رویکرد و طرح کتاب
۲۱	جهت‌گیری‌ها در گزینش نظریه‌ها
۲۲	سامان‌دهی کتاب
	<b>بخش اول: نظریه‌های شناختی - ساختاری تحول دینداری / ۲۵</b>
۳۰	فصل اول: مراحل تفکر دینی و مفاهیم اعتقادی از کودکی تا نوجوانی (گلدمن)
۳۰	مقدمه
۳۲	دین

۳۳	تفکر دینی
۳۵	روش
۳۵	مراحل تفکر دینی (تفکر عملیاتی درباره داستان‌های دینی)
۳۵	تفکر شهودی دینی (تا ۷ و ۸ سالگی) یا مرحله پیش دینی
۳۶	تفکر دینی واسطه‌ای شهودی - عینی (۷ و ۸ تا ۹ سالگی) یا مرحله تفکر دینی ناقص اول
۳۷	تفکر دینی عینی (۹ تا ۱۱ سالگی) یا مرحله تفکر دینی ناقص دوم
۳۸	تفکر دینی واسطه‌ای عینی - انتزاعی (۱۱ تا ۱۳ سالگی) یا مرحله اول تفکر دینی شخصی
۳۹	تفکر دینی انتزاعی (۱۳ سالگی به بعد) یا مرحله دوم دینی شخصی (دینی کامل)
۴۰	مقایسه مراحل تفکر عمومی (دیدگاه پیاژه) و مراحل تفکر دینی
۴۲	متغیرهای مؤثر در ایجاد تفاوت‌های فردی
۴۳	مراحل درک کودکان از مفاهیم اعتقادی
۴۳	چیستی امر الهی: شکل، مکان و سخن گفتن خدا
۴۴	فعل خداوند در جهان طبیعی: معجزه
۴۶	مسیح و مسئله شر
۴۶	شخصیت عیسی مسیح
۴۷	عصمت حضرت مسیح در دوران کودکی و بزرگسالی
۴۹	مسائلی درباره درک کودکان از شر
۴۹	مؤلفه‌های مرتبط با دعا
۵۱	مؤلفه‌های مرتبط با کلیسا
۵۳	ارزیابی
۵۳	نقاط مثبت
۵۴	نقاط ضعف
۵۹	<b>فصل دوم: مراحل تحول دینداری و هویت فرقه‌ای دینی (الکابند)</b>
۵۹	مقدمه
۶۰	روش‌شناسی
۶۰	دین‌شناسی
۶۱	مراحل تحول دینداری در دوره کودکی و نوجوانی
۶۲	مرحله اول: طفولیت و جستجوی بقا
۶۴	اوایل کودکی و جستجوی بازنمایی مفهوم خدا
۶۵	کودکی و جستجوی رابطه با خدا
۶۷	نوجوانی و جستجوی فهم جهان در چهار چوب یک نظریه دینی
۶۹	مراحل تحول مفهوم دعا
۷۳	مراحل تحول مفهوم فرقه‌ای هویت دینی

۷۴	ارزیابی
۷۴	نقاط قوت
۷۵	نقاط ضعف
۷۸	<b>فصل سوم: مراحل ایمان (فولر)</b>
۷۸	مقدمه
۷۹	مفهوم‌شناسی ایمان
۸۰	ایمان انسانی و جهان‌شمول
۸۲	ایمان، دین و باور
۸۳	ایمان و رابطه
۸۶	ایمان به مثابه پنداره
۸۸	نگاهی به ایمان از دیدگاه کلی
۸۹	روش‌شناسی پژوهش
۹۰	مراحل ایمان
۹۱	دوره نوزادی (پیش‌مرحله): ایمان نامتمایز (تولد تا ۲سالگی)
۹۵	مرحله اول: ایمان شهودی - فرافکنانه (۲ تا ۶ و ۷سالگی)
۱۰۲	مرحله دوم: ایمان لفظی - داستان‌سرایانه (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲سالگی)
۱۰۸	مرحله سوم: ایمان تلفیقی - عرفی (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸سالگی)
۱۲۰	مرحله چهارم: ایمان فردی‌شده - فکورانه (۲۰سالگی به بعد)
۱۲۵	مرحله پنجم: ایمان عاطفی (براساس فرض میانه بزرگسالی یا پس از آن)
۱۳۵	مرحله ششم: ایمان جهان‌شمول
۱۳۹	ارزیابی
۱۴۰	نقاط قوت
۱۴۱	نقاط ضعف
۱۴۵	<b>فصل چهارم: مراحل تحول داوری دینی (اسر و گماندر)</b>
۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	مراحل تحول داوری دینی
۱۴۸	۱. جهت‌گیری دگرپروی دینی
۱۴۸	۲. جهت‌گیری «عطا کن تا به دست آوری»
۱۴۸	۳. جهت‌گیری خودمختاری من‌گرایانه
۱۴۸	۴. جهت‌گیری خودمختاری میانه و برنامه‌رستگاری
۱۴۸	۵. جهت‌گیری خودمختاری و درهم‌تنیدگی دینی
۱۴۹	ارزیابی

۱۴۹	نقاط قوت
۱۵۰	نقاط ضعف

تکمله بخش اول: ایرادهای اساسی چهارچوب پیاژه‌ای به منزله مبنای تبیین تحول... ۱۵۲

### بخش دوم: نظریه‌های احساسی و انگیزشی تحول دینداری / ۱۵۷

۱۶۰	فصل پنجم: تحول تجربه (احساس) دینی کودکان (هارمز)
۱۶۰	مقدمه
۱۶۰	ماهیت تجربه (احساس) دینی کودک
۱۶۱	روش‌شناسی
۱۶۲	مراحل تحول تجربه دینی
۱۶۲	الف) دوره خیال‌پردازی
۱۶۳	ب) دوره واقع‌گرایی
۱۶۵	ج) دوره فردگرایی
۱۶۵	کاربرد پژوهش در تربیت دینی
۱۶۸	ارزیابی
۱۶۸	نقاط قوت
۱۷۰	نقاط ضعف

### فصل ششم: دیدگاهی تحولی در باب ابعاد جهت‌گیری دینی (کاهو و مدو) ۱۷۲

۱۷۲	مقدمه
۱۷۲	زنجیره تحولی
۱۷۴	دینداری برون‌ی
۱۷۴	دینداری پیروی‌گرایانه
۱۷۵	دینداری درونی
۱۷۶	دینداری استقلالی
۱۷۷	حمایت نظری
۱۷۷	ارزیابی
۱۷۷	نقاط قوت
۱۷۹	نقاط ضعف

### بخش سوم: پژوهش‌ها و نظریه‌های اجتماعی تحول دینداری / ۱۸۳

۱۸۶	فصل هفتم: شکل‌گیری معنوی به منزله اجتماعی شدن: لوازم دیدگاه ویگوتسکی برای...
۱۸۶	مقدمه



۱۸۶	نقش نظریه‌های تحول‌گرا در فهم چگونگی شکل‌گیری معنویت در مسیحیت
۱۸۹	اصول و مفاهیم بیشتر مرتبط نظریه ویگوتسکی با فرآیند شکل‌گیری معنوی
۱۸۹	وابستگی شکل‌گیری شناخت به بافت اجتماعی
۱۹۰	تحول و یادگیری
۱۹۰	تحول تفکر عالی
۱۹۱	منطقه تقریبی تحول
۱۹۲	تربیت و آموزش
۱۹۲	آموزش
۱۹۳	لوازم شکل‌گیری معنوی و بوم‌شناسی آن
۱۹۳	نقطه عزیمت در شکل‌گیری معنوی و مفهوم‌شناسی آن
۱۹۳	کل‌نگری نسبت به عوامل شکل‌گیری معنوی و بوم‌شناسی آن
۱۹۴	افزایش دغدغه مریدان مسیحی نسبت به یاددهی اندیشه مسیحی به دانشجویان
۱۹۴	غیر خطی بودن مراحل تحول معنوی
۱۹۵	اجتماع ایمانی: رکن اساسی شکل‌گیری معنوی
۱۹۵	کلمات، نمادها و تصاویر به عنوان ابزار هدایت فرآیند تحولی
۱۹۶	ضرورت معلم و آموزش متعمدانه برای شکل‌گیری معنوی
۱۹۶	ارزیابی
۱۹۶	نقاط قوت
۱۹۸	نقاط ضعف
۲۰۰	فصل هشتم: مراحل طول زندگی: رویکردی جایگزین برای تحول دینی در...
۲۰۰	مقدمه
۲۰۲	الگوهای مرحله‌ای تحول دینی: ویژگی‌ها و مشکلات
۲۰۲	الف) ویژگی‌های کلی الگوهای مرحله‌ای تحول دینی
۲۰۳	ب) مشکلات نظریه‌های مرحله‌ای
۲۰۴	اصول موضوعه کلیدی در رویکرد طول زندگی
۲۰۵	مطالعه الهیاتی تجربی «تحول دینی در بزرگسالی»
۲۰۵	طرح کلی
۲۰۶	سازه گشتالت دینی به منزله ابزار سنجش دینداری
۲۰۷	نمونه‌ها
۲۰۸	نتایج مطالعه «تحول دینی در بزرگسالی»
۲۰۹	تحول دینی در بزرگسالی در بافت رویکرد طول زندگی
۲۱۲	ارزیابی
۲۱۲	نقاط قوت

۲۱۴	نقاط ضعف
۲۱۵	فصل نهم: الگوهای ناظر به چگونگی ارتباط بین باورهای دینی کودک - یافت اجتماعی
۲۱۵	مقدمه
۲۱۶	الگوی تناظری رابطه باورهای دینی کودک - یافت اجتماعی
۲۱۹	الگوی استقلالی رابطه باور دینی کودک - یافت اجتماعی
۲۲۱	الگوی دوسویه ارتباط کودک - یافت اجتماعی
۲۲۴	ارزیابی
۲۲۵	نقاط قوت و ضعف الگوی تناظری
۲۲۶	نقاط قوت و ضعف الگوی استقلالی
۲۲۶	نقاط قوت و ضعف الگوی دوسویه و تبدالی
۲۲۷	نقاط قوت و ضعف الگوی قراردادی فولر

#### بخش چهارم: مسیحیت و نظریه پردازی روان شناختی تحول دینداری / ۲۲۹

۲۳۱	فصل دهم: مناقشات نظری درباره امکان و مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینداری
۲۳۱	مقدمه
۲۳۲	رویکرد روان شناسان سکولار: نفی امکان یا مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینی
۲۳۳	رویکرد آغازین عالمان و معتقدان مسیحی: نفی مطلق امکان یا مفید بودن مطالعات روان شناختی...
۲۳۴	تقلیل گرایی
۲۳۵	جبرگرایی در انجام رفتار دینی
۲۳۷	جایگزینی تفسیر روان شناختی علمی به جای تفسیر دینی
۲۳۸	موقتی بودن اعتبار تفاسیر روان شناختی از ایمان
۲۳۹	رویکرد ثانویه عالمان و معتقدان مسیحی: پذیرش مشروط مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینی

۲۴۱	فصل یازدهم: نظریه های مسیحی تحول دینداری
۲۴۱	مقدمه
۲۴۲	نظریه پنج مرحله ای بروس پاورز
۲۴۳	۱. مرحله پرورش و تحول اولیه کودک (۰-۶ سال)
۲۴۳	۲. تلقین نگرش ها و باورها (سنین ۷ تا ۱۸ سال)
۲۴۴	۳. آزمون واقعیت (سنین ۱۹ تا ۲۷ سالگی)
۲۴۴	۴. انتخاب کردن (سنین ۲۸ تا ۳۵ سالگی)
۲۴۵	۵. اخلاص در عمل (سنین ۳۶ سالگی به بالا)
۲۴۵	نظریه سه مرحله ای کورنیژوک و سایر همکاران: تحول دینی مبتنی بر دیدگاه فرقه ادوینیست روز هفتم
۲۴۶	۱. دوره پیش عملیاتی (۲-۶ و ۷ سالگی)

۲۴۷	۲. دوره عینی (۶ و ۷ سالگی تا ۱۱ و ۱۲ سالگی)
۲۴۸	۳. دوره صوری (رسمی) (۱۱-۱۲ سالگی)
۲۴۸	عناصر غیر مرتبط با سن
۲۴۹	کاربردهای این پژوهش
۲۵۰	نظریه هشت مرحله‌ای استفانز
۲۵۰	۱. ایمان آغازین (بدو تولد تا ۲ سالگی) در برابر ایمان بسط‌نیافته
۲۵۰	۲. عشق بدون شرط (۲-۳ سالگی) در برابر عشق مشروط
۲۵۱	۳. شکر (پیش از مدرسه: ۳-۵ سال) در برابر سرزنش خود
۲۵۱	۴. تصویر شایسته از خداوند (اواخر کودکی: ۶-۱۱ سال) در برابر تصویر مخدوش از خدا
۲۵۲	۵. هویت معنوی (نوجوانی تا جوانی: ۱۲-۱۹ سال) در برابر سردرگمی معنوی
۲۵۲	۶. قرب الهی (ابتدای بزرگسالی: ۲۰-۳۵ سالگی) در برابر انزوا از خداوند
۲۵۲	۷. تبلیغ مسیحیت (میانه بزرگسالی: میانسالی ۳۵-۵۵ سالگی) در برابر جستجوی بی‌حاصل معنا
۲۵۳	۸. تمامیت معنوی (اواخر میانسالی: پس از ۵۵ سالگی)
۲۵۳	نظریه یمپ اسپارکمن
۲۵۳	مرحله نخست: فرزند خدا بودن (دوران آغازین کودکی)
۲۵۴	مرحله دوم: فرزند وعده الهی - متعلق بودن به (دوران میانه کودکی و آغاز نوجوانی)
۲۵۴	مرحله سوم: تثبیت ایمان (میانه نوجوانی - سن ۱۶ سال و بیشتر)
۲۵۴	مرحله چهارم: پذیرش ولایت خداوند (دوره بزرگسالی)
۲۵۶	ارزیابی
۲۵۶	نقاط قوت
۲۵۸	نقاط ضعف

### بخش پنجم: وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی تحول دینداری در ایران / ۲۵۹

۲۶۲	فصل دوازدهم: نظریه‌های عرفانی و تفسیری تحول دینداری
۲۶۲	مقدمه
۲۶۳	عرفا و تحول دینی
۲۶۴	مفهوم و مراحل ایمان از دیدگاه علامه طباطبایی
۲۶۶	مراحل تحول دینی از دیدگاه غزالی
۲۶۸	ارزیابی
۲۶۸	ظرفیت‌ها
۲۷۰	کاستی‌ها
۲۷۱	فصل سیزدهم: پژوهش‌های روان‌شناختی تحول دینداری در ایران و راهکارهای ارتقای ...
۲۷۱	مقدمه

۲۷۲	گزارش تحلیلی وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی تحول دینداری در ایران
۲۷۴	تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی
۲۷۵	بررسی تجربی تحول ایمان به خدا در گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی
۲۷۹	ارزیابی
۲۷۹	نقاط قوت
۲۸۰	نقاط ضعف
۲۸۱	راهکارهای ارتقای تولید دانش بومی روان‌شناختی تحول دینداری در ایران
۲۸۷	منابع و مأخذ
۲۹۵	نمایه اشخاص
۲۹۷	نمایه موضوعات

## دیباچه

پژوهش و نظریه‌پردازی در زمینه تحول ایمان و دینداری در تمدن اسلامی از پیشینه‌ای قوی برخوردار بوده و برای چندین قرن نیازهای نهادهای آموزشی، مربیان و مبلغان دینی را به بنیان‌های علمی برای مداخله در فرآیند تربیت دینی و در نتیجه هدایت متریان را دربر داشته است. خاستگاه اولیه بحث از تحول دینی و به‌ویژه مراحل ایمان را در دنیای اسلام باید در قرآن و روایات جستجو کرد، قرآن نخستین منبعی است که موضوع درجه‌پذیری، ذومراتب بودن و مراحل ایمان را مطرح کرده است. تعبیر قرآن در اشاره به موضوعات یادشده متفاوت است. برخی از آیات «اصل زیادت و نقصان ایمان» (فتح، ۴) و برخی دیگر از آیات به «درجه‌پذیری ایمان» (انعام، ۱۳۲) اشاره کرده و دسته‌ای دیگر بر تفصیل برخی افراد بر سایر افراد سخن به میان آورده است (بقره، ۲۵۳). همچنین، قرآن در توصیف مؤمنان از واژه‌هایی استفاده می‌کند که دلالت بر مراتب مختلف ایمان در اشخاص دارد. واژه‌های مؤمنین، مسلمین، موقنین، مخلصین، متوکلین، مفوضین، راضین، علیون، اولوالالباب، الراسخون فی العلم و اولوالابصار، هریک دلالت بر مرتبه خاصی از ایمان یا برجستگی بعد خاصی از آن در افراد دارد.

در روایات افزون بر اشاره به درجه‌پذیری ایمان، به اجزا و مراتب آن اشاره شده است. برای مثال، در روایتی ایمان به هفت جزء تقسیم می‌شود؛ نیکوکاری، راست‌گویی، یقین، رضا، وفا، علم و بردباری و در ادامه حدیث آمده است که به بعضی افراد تنها یک جزء و به برخی دیگر دو جزء و به بعضی نیز تا هفت جزء هم داده شده است. فردی که دارای هفت جزء است، ایمان او کامل است (کلینی، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

دسته دیگری از روایات اشاره می‌کند که ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنان پله‌ای را بعد از پله دیگر بالا می‌روند، پس کسی که در پله دوم است نباید به آنکه در پله اول است، بگوید: تو هیچ ایمان نداری تا برسد به دهمین نفر (همان، ص ۷۴).

در بین نحله‌های فکری در دنیای اسلام، عارفان بیش از دیگران تلاش کرده‌اند تا مراحل ایمان را سامان بخشند؛ نوع ابتدایی این تلاش را در کتاب آداب العبادات، نوشته شفیق بلخی (م ۱۹۴ق) و گونه‌بالنده آن در کتاب الصدق تألیف ابوسعید خراز (م ۲۷۹ق) و در کتاب اللمع به قلم ابونصر سراج (م ۳۸۶) دیده می‌شود. این تلاش‌ها در شکلی کامل‌تر در آثار خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق) در کتاب منازل السائرین تجلی یافت. خواجه عبدالله انصاری، منازل سلوکی را به‌طور کلی در سه رتبه جمع کرده است، سپس همین منازل سلوکی را به‌طور جزئی در صد منزل پرشمرده و آن صد منزل را در ده وادی جای داده است؛ و در هر وادی به ده منزل پرداخته و هر منزل را پس از بیان یک آیه مناسب و تعریفی کوتاه و پرمغز در سه درجه تشریح کرده است (فضلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹-۱۷۰). ابن عربی دانش در حال تکوین عرفان را کامل کرد. وی با استدلالی کردن موضوعات عرفانی آن را در قالب یک مکتب فکری و جهان‌بینی ارائه کرد. پیروان ابن عربی براساس نظام هستی‌شناختی او، منازل خواجه عبدالله انصاری را مورد بازبینی دوباره قرار دادند و آن را در قالب نظام منسجم‌تری ارائه کردند. در بین پیروان ابن عربی، ملاعبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۶ق) و سعیدالدین فرغانی (م ۷۰۰ق)، از همه بیشتر وارد ساحت عرفان عملی بر مبنای عرفان نظری شدند. به جز عرفا، مفسران و متکلمان نیز به مناسبت بررسی آیات و روایات ناظر به مراحل تحول ایمان و دینداری، دیدگاه‌های خود را در این زمینه بیان کرده‌اند که همان بخش قابل توجهی از پیشینه تحول دینداری در تمدن اسلامی را شکل می‌دهد.

نیازهای نهادهای آموزشی، مربیان و مبلغان دینی در دوره معاصر به دانش روان‌شناختی تحول دینی برای مداخله مؤثر در فرآیند تربیت دینی، از سویی و رکود علمی حاکم بر مراکز تولید دانش در تمدن اسلامی، از سوی دیگر سبب شد تا تأمین بنیان‌های علمی مورد نیاز نهادهای آموزشی به دانش روان‌شناختی تحول دینداری وارداتی از غرب واگذار شود؛ توضیح مطلب اینکه در دوره معاصر پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی در غرب، زمینه‌های مطالعه دین و دینداری را در چهارچوب این نظریه‌ها فراهم کرد و به سرعت نیز گسترش یافت و به ظهور نظریه‌های فراوانی درباره دین و دینداری انجامید.

کارکرد نظریه‌های بیان‌شده نیز این بود که در راستای پیچیده‌تر شدن جوامع، بنیان علمی لازم را برای مداخله مؤثرتر در تربیت دینی در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا فراهم می‌کرد. این کارکرد در حوزه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بسیار نمایان‌تر بود؛ با اثربخشی از این مطالعات، تربیت دینی کودک و نوجوان که در گذشته چندان مورد توجه نبود و چنین فکر

می‌شد که اساساً تربیت دینی امری مربوط به دوره کودکی نیست و یا اگر بدان توجه می‌شد، بر مبنای تجارب شخصی مریمان انجام می‌گرفت؛ امروزه آن به امری کاملاً علمی تبدیل شده است و مریمان و مبلغان دینی مسیحی و یهودی از پنج زمینه مطالعاتی زیر برای پیشبرد تربیت ایمانی و دینی کمک می‌گیرند:

۱. مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری؛

۲. مطالعات جامعه‌شناختی دینداری؛

۳. مطالعات فلسفی به‌ویژه ناظر بر چالش‌های تربیت دینی در دنیای معاصر؛

۴. بازخوانی و بازاندیشی در منابع گذشته برای انطباق با نیازهای امروزی؛

۵. مطالعه متون دینی یا هدف پاسخگویی به پرسش‌های جدید.

به‌کارگیری یافته‌های نظریه‌های یادشده در یک کشور اسلامی مانند ایران دو ایراد اساسی دارد: ایراد نخست — که عالمان و معتقدان مسیحی هم به‌تفصیل درباره آن سخن گفته‌اند و در فصل سیزدهم بدان اشاره می‌شود — این است که این نظریه‌ها مبتنی بر مفاهیم مادیگرایانه، لیبرالیستی و سکولاریستی است و نه بر یک جهان‌بینی الهی و بنابراین، به‌کارگیری آنها بدون تهذیب از این مبانی صحیح نیست؛ دوم اینکه نظریه‌های مذکور در چهارچوب تفسیرهای مسیحی و یهودی از موضوعات دینی است و نیز نمونه‌گیری‌های آن از بین جوامع مسیحی و یهودی انتخاب و آزمون شده است. بنابراین، تعمیم نتایج آنها به یک جامعه مسلمان با چالش جدی مواجه است.

این وضعیت، گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را — که رسالت اصلی آن تولید دانش اسلامی و بومی و تأمین بنیان‌های علمی برای نهادهای آموزشی در جمهوری اسلامی است — بر آن داشت که زمینه‌ای را برای ایجاد جریان علمی و در نتیجه تأمین بنیان‌های علمی مورد نیاز نهادهای آموزشی آغاز کند. در این راستا، گروه اقداماتی مانند پژوهش در زمینه روان‌شناسی تحول دینداری، فلسفه تربیت دینی و اقدام به راهنمایی دانشجویان ارشد و دکتری در تهیه پایان‌نامه‌های مرتبط با این حوزه و تدوین عناوین و سرفصل‌های دوره کارشناسی تحول تربیت دینی کودک و نوجوان را در دستور کار خود قرار داد.

کتاب روان‌شناسی تحول دینداری: نظریه و نقد در راستای اقدامات زمینه‌ساز گروه و دستیابی به اهداف زیر تدوین شده است:

۱. معرفی و نقد سه رویکرد اصلی پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات تحول دینداری

به شرح زیر:

الف) رویکرد شناختی - ساختاری تحول دینداری: این رویکرد اولین پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها را در قلمرو مطالعات تحول دینداری رقم زده است و به مدت چهار دهه بر مطالعات علمی در فضای آکادمیک سیطره کامل داشته است.

رویکرد مذکور عمدتاً بر درک مفاهیم و آموزه‌های دینی و تفکر درباره آنها متمرکز است و بیشترین تولید نظریه را به خود اختصاص داده است.

ب) رویکرد اجتماعی تحول دینداری: این رویکرد در نقد رویکرد شناختی و با تمرکز بر بررسی چگونگی تأثیر عوامل اجتماعی بر تحول دینداری پدید آمده است. مفروضه اساسی این رویکرد این است که دینداری افزون بر اینکه محصول سطح تحول عقلانی و عاطفی است از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و فرد از طریق والدین و نمادها و سازمان‌های دینی به‌طور انتقال یک‌طرفه یا تبادلی دیندار می‌شود.

ج) رویکرد عاطفی و انگیزشی: رویکرد انگیزشی و عاطفی تحول دینداری را با نظریه تغییر در انگیزه‌ها و احساسات دینی مطالعه می‌کند.

۲. معرفی و نقد تلاش عالمان مسیحی برای مسیحی‌سازی دانش تحول دینداری: همزمان با توسعه مطالعات تحول دینداری، عالمان مسیحی ابتدا تلاش کردند تا اعتبار، حجیت و مفید بودن هرگونه پژوهش و نظریه‌پردازی درباره آموزه‌های دینی را نفی کنند ولی به تدریج با شرایطی اعتبار و مفید بودن این نظریه‌ها را پذیرفتند و نظریه‌های متعددی را در این حوزه پدید آوردند که در این کتاب در حد دو فصل که اولی به مناقشات نظری می‌پردازد و دومی به اجمال به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان اشاره می‌کند.

۳. معرفی و نقد مطالعات تحول دینداری در ایران: در این بخش وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی در ایران توصیف، تحلیل، ارزیابی و زاهکارهایی برای ارتقای پژوهش ارائه می‌شود. افزون بر این، نظریه‌های عرفانی و تفسیری تحول دینداری به منزله پیشینه و مقدمه‌ای بر پژوهش و نظریه‌پردازی روان‌شناختی بررسی و ظرفیت‌های آن برای پژوهش روان‌شناختی بیان می‌شود.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همکاری صمیمانه آقای مهدی غلامی که در ترجمه و معادل‌یابی واژه‌ها و به‌ویژه در مباحثه به منظور فهم نظریه فولر مؤلف را یاری کرده و نیز آقای دکتر هادی بهرامی احسان و حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر مسعود آذربایجانی که از نظرات آنها در غنا بخشیدن به اثر استفاده کردم، تشکر و قدردانی شود. همچنین از آیت‌الله علیرضا اعرافی که در سمت ریاست پژوهشگاه و مدیر گروه علوم تربیتی، بسیاری از داشته‌های خود را مدیون ایشان می‌دانم، تشکر کنم و از خداوند برای همه آنها موفقیت و عاقبت به خیری خواستارم.

شهر مقدس قم - بهمن ۱۳۹۶

محمود توذری



## کلیات

### درآمدی بر نظریه پردازی روان‌شناختی تحول دینداری

#### مقدمه

علم روان‌شناسی، دانش مطالعه و شناخت رفتار و فرآیندهای روانی انسان است. در دامنه این رشته علمی به‌طور رسمی تاکنون پنجاه شاخه علمی مانند روان‌شناسی اجتماعی، تحول روانی، شخصیت و بالینی شکل گرفت که یکی از آنها شاخه روان‌شناسی دین است.

روان‌شناسی دین حوزه‌ای است که اعتقاد، احساس و رفتار دینی را از دیدگاه روان‌شناختی مطالعه می‌کند؛ بدین معنا که می‌کوشد تا فرآیندهای مؤثر روان‌شناختی واسطه‌ای تأثیرگذار بر عقیده، رفتار و تجربه دینی را درک کند؛ همچنین در این حوزه سعی می‌شود زمینه‌های مؤثر گوناگون — خواه محیطی، شخصی یا اجتماعی — در نظر گرفته و از دریچه دیدگاه‌ها، پژوهش‌ها و نظریات متنوع به موضوع دینی مورد مطالعه نگاه شود تا درک کامل‌تری از آن به دست آید.

پرسش‌های متنوعی وجود دارد که در روان‌شناسی دین مطرح می‌شوند: نتایج دینداری در زندگی چیست؟ چه تفاوتی از حیث روان‌شناختی بین دین اصیل و دین ساختگی در شخص وجود دارد؟ چرا برخی از مردم در مورد دینشان متعصب هستند و برخی دیگر انعطاف‌پذیر هستند؟ فرآیند شک دینی چیست؟ آیا دین ارتقای بخش رأفت انسانی و ملامت فردی است یا موجب پسرفت آن است؟ آیا یک نوع خاص شخصیت بهنجار یا نابهنجار وجود دارد که براساس آن فرد آماده پذیرش دین می‌شود؟ تغییر دینی و نوکیشی چگونه به بهترین وجه مفهوم‌سازی و تفسیر می‌شود؟ فرآیند و تجربه نوکیشی چیست؟ مسیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی کدام است؟

روان‌شناسی تحول دینداری به عنوان یک حوزه مطالعاتی زیر مجموعه روان‌شناسی دین، برای پاسخ به این پرسش که مسیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی کدام است، شکل

گرفته و گسترشی در حجم یک شاخه علمی مستقل پیدا کرده است. در ذیل این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی بسیاری مطرح شده است؛ کودک و نوجوان چه تصویری از خدا در ذهن خود خلق می‌کنند و مشتمل بر چه مراحل است؟ مراحل تفکر دینی کدامند؟ چگونه فهم انسان از مفاهیمی مانند ایمان، دعا، نبوت، انگیزه دینی، داوری دینی، احساس دینی، کلیسا، کتاب مقدس در طول زندگی متحول می‌شود؟ رابطه باورهای دینی والدین — کودک به چه شکلی است؟ عوامل اجتماعی، تاریخی و وقایع مهم زندگی در تعامل با عوامل شناختی، عاطفی و گرایشی چگونه بر تغییرات در شناخت، احساس و رفتار دینی در فراخنای زندگی اثرگذار است؟

در پاسخ به پرسش‌هایی مانند پرسش‌های بالا، در طول هفت دهه گذشته، پژوهش‌های فراوانی از دیدگاه روان‌شناختی انجام گرفته که منجر به عرضه نظریه‌های بسیاری در این حوزه شده است. بیشتر نظریه‌پردازان این حوزه، افزون بر توصیف و تبیین تغییرات تحول دینی در طول زندگی به استلزامات نظریه خود برای آموزش دین، به‌ویژه آموزش دین به کودکان و نوجوانان نیز اشاره کرده‌اند؛ علت آن نیز این است که دغدغه اصلی عمده نظریه‌پردازان — که از کشیشان، مبلغان و یا محققان علاقه‌مند به آموزش دین بوده‌اند — ارتقا و اصلاح شیوه‌های آموزش دین و افزایش توانمندی مربیان دینی بوده است.

کتاب حاضر دربردارنده گزارشی از نظریه‌های یادشده و گزارشی از پیشینه خودی (وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی در ایران) و ارزیابی آنها در این حوزه است. همچنین، این کتاب راهکارهای اسلامی و بومی‌سازی دانش روان‌شناختی تحول دینداری را بیان می‌کند. مبحث آغازین کتاب، به بیان مجموعه‌ای از موضوعات ضروری برای درک نظریه‌ها اختصاص یافته است و پاسخی به پرسش‌های زیر را فراهم می‌کند:

- چگونه دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی تعریف می‌شود؟
- تحول، روان‌شناسی تحول و روان‌شناسی تحول دینداری به منزله یک شاخه علمی چگونه تعریف می‌شود؟
- انتظار ما از نظریه‌های تحول دینی چیست؟
- سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری چگونه است؟
- کدام فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی شالوده تحول دینداری را تشکیل می‌دهد؟
- ابزار مفهومی و روش شناختی در حوزه مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری چیست؟

## تعریف تحول و روان‌شناسی تحول

اصطلاح تحول به معنای تغییری است که در طول زمان رخ می‌دهد و جهت‌گیری<sup>۱</sup> ویژه‌ای دارد. جهت‌گیری تحول معمولاً از ساده به پیچیده، از سازمان‌یافتگی و هماهنگی کمتر به سازمان‌یافتگی و هماهنگی بیشتر، و از یکپارچگی کمتر به یکپارچگی بیشتر است. برای اینکه مشخص شود که آیا یک تغییر خاص، تغییری تحولی به شمار می‌آید یا نه؛ باید دید که آیا الگوی تغییر را می‌توان در افراد مختلف مشاهده کرد و آیا این الگوی تغییر، جهت‌گیری خاصی دارد و نیز پیچیده‌تر و یکپارچه‌تر شده است (کاگان،<sup>۲</sup> ۱۹۹۱؛ به نقل از: نیومن و نیومن، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

در مطالعات تحول تنها الگوهای رفتاری و روانی متغیر بررسی نمی‌شود، بلکه الگوهای رفتاری و روانی که دارای ثبات هستند و در طول زمان تغییر نمی‌کنند، نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ همچنین، الگوهای بررسی می‌شوند که نظم و ترتیب دارند و نسبتاً دائمی هستند و نه نوسانات رفتاری و خلقی موقت و زودگذر. بنابراین، اصطلاح تحول عبارت است از: تغییرات و استمرارهای رفتاری و روانی نظام‌مند که در طول زندگی از لقاح تا مرگ رخ می‌دهد و ویژگی نظام‌مند در تعریف به این مطلب اشاره می‌کند که تغییرات نظم و ترتیب دارند و نسبتاً دائمی هستند. به این ترتیب، شامل نوسانات خلقی و زودگذر در فکر و ظاهر و رفتار انسان نمی‌شود؛ استمرار رفتاری و روانی در تعریف به الگوی باثباتی اشاره می‌کند که در طول زمان ثابت می‌مانند (گنجی و بابازاده، ۱۳۹۳، ص ۱).

با این تعریف از تحول، منظور از روان‌شناسی تحول حوزه‌ای از مطالعات روان‌شناسی است که الگوهای تغییر و ثبات رفتاری و روانی را در فراخنای زندگی از تولد تا پیری در ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و... مطالعه و فرآیندهای روان‌شناختی زیربنایی آنها را مشخص می‌کند.

## تعریف دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی

تعریف ماهیت دقیق دین و حقیقت آن، به‌طور منطقی قبل از هرگونه پژوهش درباره دین و از جمله پژوهش‌های روان‌شناختی امری ضروری است؛ زیرا پژوهشگر تا زمانی که مفهوم دقیق ماهیت دین را معلوم نکرده است، به‌طور طبیعی نمی‌تواند کیفیت اثر آن را در شناخت‌ها، احساسات، انگیزه‌ها و رفتار انسان مطالعه و درک کند.

1. direction

2. Kagan

در دوره جدید که پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی به مطالعه دین و دینداری پرداخته‌اند، تلاش گسترده‌ای برای تعریف دین و دینداری به عمل آورده‌اند و با توجه به رویکردها و نگرش‌های گوناگون در رشته‌های علوم انسانی به‌طور کلی و روان‌شناسی دین به‌طور خاص، تعاریف جدیدی از دین و دینداری ارائه شده است.

نگاهی به ادبیات پدیدآمده در این باره نشان می‌دهد که اولاً، تعاریف ارائه‌شده ناظر به مفهوم دینداری و مقام تحقق دین در نظام روانی فرد است و نه تعریف دین به معنای امری مستقل از انسان و مشتمل بر مجموعه گزاره‌های اعتقادی، اخلاقی و مناسکی. ثانیاً، تعاریف با رویکرد برون‌دینی و ناظر به جدا ساختن دین و امور منتسب به آن از بقیه ابعاد زندگی است. ثالثاً، هر یک از تعاریف از دل یک تئوری یا رشته علمی برآمده است و بنابراین، اکتفا به این تعاریف بدون توجه به خاستگاه آنها، به فهمی ناقص و تفسیری فردی و غیر منطبق با مقصود از آن تعریف می‌انجامد (ز.ک: دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳، ذیل مدخل مباحث جاری دین‌شناسانه، ص ۵۴۹ و ۵۹۴؛ گواهی، ۱۳۹۰، ذیل مدخل تعریف دین، ص ۶۹۴ و ۶۹۵ و ذیل مدخل روان‌شناسی دین، ص ۶۹۵ و ۶۹۶).

اگرچه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی دین تلاش زیادی برای تعریف دینداری به عمل آورده‌اند، ولی از تعریف حقیقی آن سر باز زده‌اند؛ به نظر آنان توافق بر سر تعریف حقیقی دینداری ممکن نیست و هر تعریفی از دینداری تنها مورد رضایت مؤلف آن است؛ بر این اساس، تلاش برای تعریف حقیقی دینداری که به‌طور نسبی مورد توافق گروهی از روان‌شناسان باشد، به نظر آنها امری غیر مفید است و پیشبرد پژوهش علمی را کند می‌کند.

آنان با نظر به اهدافی که از پژوهش روان‌شناختی درباره دینداری انتظار می‌رود، شیوه دیگری را برای تعریف آن انتخاب کرده‌اند. به نظر آنان، هدف از تحقیق روان‌شناختی درباره دینداری این نیست که آنچه را به‌طور ذاتی درباره دینداری صحیح در مفاد الهیات و کلامی آمده است، بیان کند، بلکه هدف از تحقیق روان‌شناختی توصیف کیفیت اثر دین در ابعاد گوناگون زندگی انسان و تبیین آنها است. از این دیدگاه، دینداری دست‌کم در بردارنده مفهومی مشتمل بر جهت‌گیری انتزاعی کلی است که از راه آن انسان به جهان می‌نگرد، واقعیت آنها را تعریف می‌کند، مفادی درباره معنا فراهم و تعهد و وفاداری بنیادین آنها را دریافت می‌کند (پالوتزیان، ۱۹۹۶، ص ۱۳).

بر این مبنای روان‌شناسان دینداری را به عنوان یک متغیر چندبعدی (مانند ابعاد عقیدتی، احساسی، رویه‌ای، شناختی یا درونی و بیرونی) فرض می‌کنند و براساس آن تحقیق درباره

دینداری را به پیش می‌برند. البته در مورد تعداد ابعاد آن اختلاف جدی دارند و دیدگاه‌های متفاوتی بیان می‌کنند.

از دید آنان، ترسیم الگوی چند بعدی از دینداری برای پیشبرد پژوهش درباره دینداری مناسب است و آنچه را که مورد نظر روان‌شناسان از پژوهش درباره دینداری است، برآورده می‌سازد؛ هدف روان‌شناسان حرکت از توصیف دینداری به سوی کاوش علمی در تبیین‌های روان‌شناختی درباره دینداری است تا در نهایت، فرآیندهای دائمی و بنیادین روان‌شناختی را که زمینه رفتار و اعتقاد دینی است، بشناسند. در واقع، روان‌شناسان دین دینداری را برحسب ابعادی از دینداری — که در زندگی انسان آشکار است — تعریف می‌کنند و در پژوهش‌های روان‌شناختی تلاش می‌کنند تا آن را توصیف و تبیین کنند و نیازی به تعریف حقیقی دینداری ندارند.

### تعریف و موضوع روان‌شناسی تحول دینداری

موضوع هر رشته علمی یا حوزه مطالعاتی، واقعیتی است که بررسی‌ها درباره آن انجام می‌شود. در حوزه مطالعات تحول دینداری، پرسش‌های گوناگونی مطرح می‌شود که همگی یا ناظر به کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر جهت‌گیری تغییرات نظام‌مند در دینداری در طول زندگی است و یا ناظر به کشف الگوهای باثبات دینداری؛ بر این اساس، موضوع مورد مطالعه در حوزه تحول دینداری «جهت‌گیری تغییر یا ثبات در دینداری در طول زندگی» است.

روان‌شناسی تحول دینداری به منزله یک حوزه مطالعاتی است که براساس تعاریفی که از تحول، روان‌شناسی تحول و دینداری ارائه شد، می‌توان چنین تعریف کرد: روان‌شناسی تحول دینداری بخشی از روان‌شناسی دین است که جهت‌گیری تغییر یا ثبات در دینداری را از تولد تا پیری از دیدگاه روان‌شناختی و با هدف کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر آن مطالعه می‌کند.

عبارت «از دیدگاه روان‌شناختی» به چند مطلب اشاره می‌کند: اول اینکه در مطالعات روان‌شناختی به پدیده دینداری از دریچه نظریه‌های روان‌شناختی نگاه می‌شود و از مفاهیم و اصول روان‌شناختی برای تبیین تغییرات در دینداری استفاده می‌شود. دوم اینکه آنچه در این بررسی‌ها مطالعه می‌شود، نیروها و علل طبیعی است که به عقیده و رفتار شکل می‌دهد و یا آن را دچار دگرگونی می‌کند و نه علل ماورائی؛ زیرا مطالعات روان‌شناختی با بررسی علل ماورائی سروکار ندارد و نمی‌تواند آنها را مطالعه کند. سوم اینکه از روش تجربی استفاده می‌شود. چهارم اینکه این مطالعات با درستی و نادرستی عقاید و رفتار سروکار ندارد چون مطالعات روان‌شناختی

تنها با شکل‌گیری و دگرگونی در دینداری سروکار دارد و نه درستی یا نادرستی آنها. همچنین از این توضیحات، تفاوت بین دانش‌های دینی مانند علم کلام و دانش روان‌شناسی تحول دینی روشن می‌شود. دانش‌های دینی و روان‌شناسی تحول دینی هر دو عقاید و رفتار دینی را مطالعه می‌کنند، اما دانش‌های دینی از جمله کلام و فقه یا درستی یا نادرستی عقاید یا وجوب و حرمت اعمال و روان‌شناسی تحول دینی با چگونگی شکل‌گیری دینداری و تغییر آن در طول زندگی سروکار دارند.

### انتظار از نظریه‌های تحول دینی

از نظریه‌های تحول دینی انتظار می‌رود که الگوهای تغییر و ثبات در دینداری را در طول زندگی توصیف و فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی را که علت شکل‌گیری و دگرگونی در الگوها هستند، بیان کنند. پرسش‌هایی که انتظار می‌رود در نظریه‌های تحول دینداری پاسخ آنها معلوم شود، عبارت‌اند از: ۱. چه جنبه‌ای از واقعیت دینداری تغییر می‌کند و موجب افزایش یا کاهش دینداری می‌شود؟ این پرسش در سنت خودی با عنوان «زیادت و نقصان در ایمان» و در روان‌شناسی با عبارت «جهت‌گیری تغییر در طول زندگی» مطرح شده است. نظریه تحول دینی در پاسخ به این پرسش امور مختلفی را بیان می‌کند. رویکرد شناختی تحول دینی «ساخت» را به منزله امر در حال تغییر در نظر می‌گیرد. بعضی نظریه‌تغییرات را برحسب گشتالت دینی و برخی دیگر، براساس تمایز و یکپارچگی معرفت دینی بیان می‌کنند.

۲. آیا تحول دینی جریانی پیوسته و غیر مرحله‌ای است و یا اینکه تحول دینی جریانی ناپیوسته و در نتیجه چندمرحله‌ای است؟ ناپیوسته بودن تحول به این معنا است که تغییرات نه تنها کمی بلکه کیفی است و بنابراین، در هر مرحله ماهیت کیفی شناخت یا کنش دینی دگرگون می‌شود.

۳. آیا تحول دینی از تحول سنتی تبعیت می‌کند یا تابعیت در بخشی از زندگی و آن هم دوران کودکی و نوجوانی است. برخی نظریه‌ها (از جمله نظریه فولر، آسر و گماندز) تحول دینی را در چرخه زندگی از تولد تا پیری تابع سن می‌دانند و برخی (مانند رویکرد طول عمر) تحول دینداری را تنها در دو دهه اول زندگی پیرو سن و وراثت می‌دانند و بر این باورند که تحول دینی پس از دهه دوم زندگی متأثر از جنبه اجتماعی - فرهنگی - تاریخی است.

۴. چگونه بافت اجتماعی - فرهنگی - تاریخی بر تحول دینی تأثیرگذار است؟

۵. چگونه تعامل عوامل درون موضوع مطالعه (عوامل شناختی، عاطفی، ارادی) و عوامل بیرون موضوع مطالعه (عوامل اجتماعی، تاریخی، وقایع خاص زندگی) توضیح داده می‌شود؟
  ۶. تجربه‌های دینی در دوره کودکی چه تأثیری بر تحول دینی در بزرگسالی دارد؟
  ۷. عوامل تسهیل‌کننده و تهدیدکننده تحول به‌طور کلی و در هر مرحله‌ای از تحول کدام است؟
  ۸. نقش اراده انسان، وراثت و محیط چگونه تبیین می‌شود؟
- رایک،<sup>۱</sup> روان‌شناس سوئیسی، انتظارات از نظریه‌ها و به‌ویژه انتظار از یک نظریه ایدئال را بدین‌گونه بیان می‌کند (رایک، ص ۱۵۱؛ به نقل از: پالوتزیان، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲):
۱. باید به فرآیندهای روانی (عقلانی، هیجانی، ارادی) ناظر باشد که در موجود زنده وجود دارند؛ به‌ویژه ابعادی از فرآیندها که بر معناسازی دینی تأثیر می‌گذارند؛
  ۲. نیازمند این است که تحول را به عنوان هماهنگی تدریجی روان فرد و واقعیت معنوی درک شده، واقعیت زیستی- فیزیکی، و واقعیت اجتماعی- فرهنگی توصیف کرده، و روابط بین نیروهای درونی و برونی در روند تحول را تفسیر کند؛
  ۳. باید به یافت‌های اجتماعی‌ای که بستر تحول هستند و به شیوه‌های ارتباط آن بافت‌ها با تحول دینی فردی توجه کند؛
  ۴. باید ویژگی‌های همگانی تحول دینی و نیز تفاوت‌های فردی را توجیه کند؛
  ۵. نیازمند این است که مکانیسم‌هایی را تعیین کند که تغییر تحول به واسطه آنها اتفاق می‌افتد و عملکردهای عواملی را تبیین کند که مانع یا تقویت‌کننده تحول دینی هستند.

### سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری

کدام جریان‌های علمی در روان‌شناسی بر جهت‌گیری‌ها و هدایت پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در حوزه تحول دینداری در هفت دهه گذشته مؤثر بوده‌اند؟ در دامن این جریان‌های علمی چه نظریه‌های مهمی شکل گرفته است؟ وضعیت فعلی و آینده پژوهش و نظریه‌پردازی در این حوزه چگونه است؟

با نگاهی کلان و از منظر بالا به هفت دهه پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه تحول دینی، می‌توان دو جریان علمی را شناسایی کرد که هر یک در دوره‌ای بر فرآیند پژوهش سیطره داشته و نظریه‌ها در چهارچوب آنها پدید آمده‌اند.

### دوره اول: سیطره چهل ساله رویکرد شناختی تحول دینی

از نظر تاریخی در چهار دهه نخستین فعالیت علمی در این حوزه، پیروان جریان رفتارگرایی یا این‌یاور که موضوع پژوهش علمی «رفتار آشکار» است و دین نمی‌تواند موضوع پژوهش علمی واقع شود، در عمل هم به پژوهش و نظریه‌پردازی نپرداختند. همچنین، پیروان جریان روان‌تحلیلگری با مطالعات عمده از دید آسیب‌شناسانه به دین، دستاورد قابل اعتنائی در حوزه تحول دینی ارائه نکردند؛ در این بین پژوهش‌های روان‌تحلیل‌نگرانه مانند ریزوتو<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) که با نگاهی مثبت به بررسی تحول دینی پرداخته است، کمتر یافت می‌شود.

در چنین وضعیتی، تنها یک رویکرد در چهار دهه اول شکل گرفت و آن هم رویکرد شناختی تحول دینی بود که پیروان پیازه بنیانگذار آن بودند. در این رویکرد دینداری برحسب بعد شناختی آن بررسی می‌شود و مراحل تحول دینی براساس اصول روان‌شناختی پیازه — مانند اصل تعادل، کنش متقابل فرد و محیط، خودمحوری، ساخته‌پنداری — توضیح داده می‌شود. مراحل آشکارا بر مبنای شکل‌گیری ساخت‌های شهودی، عینی و انتزاعی و با فرض اینکه مراحل تحول دینی از الگوی عمومی تحول شناختی پیروی می‌کند، بیان می‌شود. از روش مصاحبه بالینی در بیشتر این پژوهش‌ها برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود. در این چهارچوب صدها پژوهش انجام شده و نظریه‌های مهمی پدید آمده که به برخی از آنها در فصل‌های دوم، سوم و چهارم اشاره می‌شود.

### دوره دوم: نقد رویکرد شناختی تحول دینی و ارائه نظریه‌های جایگزین

از یک‌سو، محدودیت‌های رویکرد شناختی در تفسیر تحول دینداری و از سوی دیگر، توجه به معنویت‌گرایی و ظهور و بروز جنبش‌های معنوی، به شکل‌گیری جریان دیگری با نام «دوره نقد رویکرد شناختی و ارائه نظریه‌های جایگزین» انجامید. در این دوره تلاش شد تا از محدودیت‌های رویکرد شناختی فراتر رود و از دیدگاه تازه‌ای تحول دینی را بررسی کند.

این جریان که حدود سه دهه از عمر آن می‌گذرد، از جهات مختلفی به توسعه دانش در حوزه تحول دینی کمک کرده است: چرخش از بررسی یا رویکرد شناختی به بررسی با رویکرد جامعه‌شناختی، از بررسی صرفاً ساختاری به بررسی «محتوایی» و «محتوایی - ساختاری»، از نگاه تک‌بعدی به نگاه چند بعدی، از بررسی دینداری مسیحی و یهودی به بررسی ادیان دیگر، از بررسی یا روش مصاحبه بالینی به روش کیفی و ترکیبی.

1. Rizzuto, A. M.



می‌توان جریان انتقادی به رویکرد شناختی تحول دینداری را به جریان‌های فرعی‌تر زیر که هر کدام از دیدگاهی به نقد رویکرد شناختی پرداخته‌اند، تقسیم کرد:

### رویکرد کارکردی - بنیادین کویلسکی<sup>۱</sup>

کویلسکی هم رویکرد شناختی تحول دینی را نقد و هم راهکارهایی را برای جبران نقاط آنها بیان کرده است؛ نقد نخست کویلسکی این است که در تحول دینداری باید بر دوره بزرگسالی تمرکز شود و نه بر دوره کودکی. به نظر وی، رویکرد شناختی تحول دینی با دقت کامل تفاوت موجود در مفهوم‌سازی دینی یک کودک پنج‌ساله یا نه‌ساله را تبیین می‌کند، اما به تنوع چشمگیر چشم‌اندازهای دینی بزرگسالان نمی‌پردازد و به دلیل همین تنوع اساساً تحول دینی در شخص هنگامی روی می‌دهد که ایده‌ها و تجارب مربوط به امور فراطبیعی چشمگیر و کارکردی شود. معیار وی برای تحول دینی، گستره، عمق و همه‌جاگیری فراطبیعت‌گرایی است (اسکارلت،<sup>۲</sup> ۲۰۰۶، ص ۲۷).

نقد دوم کویلسکی این است که بخشی از زندگی فرد دیندار (به صورت روزمره) مبتنی بر باور نسبت به مداخله نیروهای فراتر از حس و عقل در زندگی و اقدام برای کنترل آنها مسپری می‌شود و این امور و صف‌ناشدنی و فراتر از حس و عقل در چهارچوب رویکرد شناختی پیاژه‌ای قابل توصیف و تبیین نیست (همان).

### نظریه‌های شناختی - فرهنگی تحول معنوی

نظریه‌های شناختی - فرهنگی نظریه‌هایی هستند که تأثیر بنیادهای فرهنگی را در تعامل با فرآیندهای شناختی بر تحول معنوی مطالعه می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه چنین بنیان‌هایی به تحول مفاهیم ماوراءالطبیعی، به‌ویژه مفاهیم خدا، روح، دعا و زندگی پس از مرگ می‌انجامد (جانسن و بویاتزیس، ۲۰۰۶، ص ۲۱۱ و ۲۱۲).

پیروان نظریه شناختی - فرهنگی با تکرش به تحول دینی از دیدگاه این نظریه‌ها، چند ایراد اساسی بر پیروان رویکرد شناختی تحول دینی وارد کرده‌اند؛ اول اینکه به‌طور کلی تحول و به‌طور خاص تحول دینی از یک الگوی پلکانی که همه مردم می‌بایست آن مسیر پلکانی را پیمایند - آن‌گونه که پیروان رویکرد شناختی تحول دینی تصور می‌کنند - پیروی نمی‌کند. تحول در

1. Kwilecki, S.

2. Scarleet, W. G.

طول زندگی تحت تأثیر تنوع فرهنگی از الگوی درختچه در حال شاخ و برگ زدن پیروی می‌کند و کسی نمی‌تواند بگوید کدام شاخه بهتر است. دوم اینکه ویژگی‌های عامی که در رویکرد شناختی تحول دینی برای هر مرحله در نظر گرفته می‌شود، گمراه‌کننده است. برای نمونه، براساس دیدگاه پیازه از ویژگی عام تفکر کودک ۴ و ۵ ساله سحری و افسانه‌ای اندیشیدن است و به‌طور ذاتی کودک سحری می‌اندیشد، در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودک نه عقلانی می‌اندیشد و نه غیر عقلانی، بلکه کودک در همین دوره در مورد برخی از واقعیت‌ها و جنبه‌های زندگی عقلانی و در برخی از جنبه‌ها غیر عقلانی می‌اندیشد. جنبه غیر عقلانی نیز تحت تأثیر فرهنگ و کارکرد مثبتی است که این نحوه اندیشیدن دارد. سوم اینکه تحول تنها ارگانیک و تابع سن نیست، بلکه فرهنگ است که آن را در برخی جنبه‌ها تبیین می‌کند. چهارم اینکه تفکر دینی در قیاس با سایر انواع تفکر، نه ابتدایی‌تر است و نه تحول‌یافته‌تر؛ بلکه صرفاً متفاوت است و تا زمانی که افراد در هر سنت خاص، دارای هستی‌شناسی‌های شهودی بنیادی (جسمی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی) باشند و تا زمانی که عوامل دینی مغایر با عقل سلیم، دارای کارکردهای معمول سازگاری‌دهنده برای ترویج تعهد (جمعی) اخلاقی و تسکین‌نگرانی وجودشناختی باشند، این نسبت تا تمایزات بین خود سنت‌های دینی گسترش می‌یابد (اسکارت، ۲۰۰۶، ص ۳۰).

### سیر معنوی کودک

در سال‌های گذشته، تعدادی از روان‌شناسان و مربیان در مورد «کودک معنوی» قلم زده‌اند و تا آنجا پیش رفته‌اند که مدعی‌اند می‌توان سیر «کودک معنوی» را تشخیص داد. ایده «سیر معنوی» کودک تقریباً واکنشی به نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری است که عموماً هم‌راستا با دیدگاه گلدمن می‌باشد. در واقع، یکی از مهم‌ترین نقدهای مطرح از جانب این گروه آن است که نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری، پیش از اندازه شناختی هستند (ز.ک: هارت، ۲۰۰۶، ص ۱۶۳-۱۷۹). برای مثال، های<sup>۲</sup> چنین می‌نویسد:

این احساس فزاینده که پس از مرور دانسته‌هایمان در مورد معنویت کودکی به من دست داد، عبارت است از نگرانی راجع به بسندگی نظریه تحول (یعنی نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری) که قرار است تحول را تبیین کنند. ... مشکل اصلی (در مورد نظریه‌های مرحله‌ای)، محدودیت

1. Hart, T.

2. Hay, D.

آن‌هاست که به این حد می‌رسد که دین را به عقل تحلیل برده و از این‌رو معنویت کودک را نیز صرفاً در حد گونه‌ای از تحول‌نیافتگی یا کمبود تلقی می‌کنند (های، ۱۹۹۸، ص ۵۰).

معتقدان به سیر کودک معنوی بر این باورند که معنویت در زیست‌شناسی، احساس و تجربه شخصی ریشه دارد، البته پیش‌تازان سیر معنوی کودک به‌طور قطع آگاهند که در آنچه به عنوان تجربه معنوی بدان اشاره می‌کنند، عنصری شناختی وجود دارد. داشتن تجربه معنوی، دست‌کم مستلزم توانایی شناختی برای بازگشت و «آگاه شدن» — از تصویر بزرگ‌تر، از راز حیات، از وجود چیزی فراتر از داده‌های حسی — است، اما این توانایی در سنین بسیار کم و براساس برخی از گزارش‌ها در ۴ سالگی، و به‌یقین در ۶ سالگی نیز وجود دارد.

به گفته این گروه استعداد معنوی، استعدادی ارثی و نتیجه تحول مغز است. این استعداد به صورت زیستی و نه از طریق والدین، معلمان یا فرهنگ به کودک داده می‌شود؛ اگرچه کودکان برای تحول معنوی به تشویق و حمایت فراوانی نیاز دارند. در مجموع، سیر کودک معنوی مصمم به انتقال موفقیت‌آمیز یک ایده مهم است؛ کودکان استعداد تجارب معنوی غنی و متنوعی دارند که شالوده تحول معنوی، اخلاقی و دینی آنها را شکل می‌دهد (یا باید از راه تشویق و حمایت شکل دهد). بنابراین، گروه مروج سیر کودک معنوی با جلب توجه به «تجارب معنوی» کودکان، نقش قضاوت و تعقل را تا حد پذیرش دیدگاه متضاد با دیدگاه گلدمن، بی‌اهمیت جلوه داده‌اند (اسکارلت، ۲۰۰۶، ص ۲۸).

در مجموع رویکردهای جدید از رهگذر جبران کاستی‌های رویکرد شناختی تحول دینی سخن فراوانی برای گفتن دارند، اما این رویکردها به علت صرف نظر کردن از مفهوم مرحله، تحول معنوی و دینی را به نحو بسنده‌ای تعریف نمی‌کنند. از این‌رو، لازم است در مرحله بعدی این مطالعات، نقاط قوت رویکردهای شناختی تحول دینی با نقاط قوت رویکردهای کنونی تلفیق شوند تا در نهایت نظریه‌هایی با کارآمدی بیشتر از جهت توصیف و تبیین تحول دینی ارائه شود.

### فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی تحول دینداری

یک موضوع بسیار مهم که در ارتباط با روان‌شناسی و کاربرد آن در پژوهش مربوط به تحول دینداری باید به آن توجه کرد، این است که کدام فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی شالوده تحول دینداری را تشکیل می‌دهد و پژوهشگران تحول دینی پاسخ آن را در کجا جستجو می‌کنند؟ از

بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه تحول دینداری مشخص می‌شود که روان‌شناسان در فضاهای بسیار متفاوت تلاش می‌کنند تا اسباب و عوامل تحول دینداری را بیابند. منشأ این نگاه‌های متفاوت نیز این است که روان‌شناسی یک حوزه یکپارچه پژوهشی یا نظری نیست، بلکه حوزه‌ای نامتجانس با بسیاری از شیوه‌های متنوع فکری درباره رفتار و فرآیندهای روانی انسان است. هر یک از این تفاسیر یا دیدگاه‌ها، توجه ما را به جستجو درباره اساس دینداری در مکان‌های مختلف جلب می‌کند. ما می‌توانیم برای هر دیدگاهی به خودی خود ارزش قائل شویم، آنچنان که از نظر تاریخی انجام شده است؛ اما تلاش‌های رایج فعلی ترکیب همه جنبه‌های آنها برای ایجاد یک تصویر کامل‌تر در مورد این است که چگونه عوامل روان‌شناختی متنوع در تحول دینداری تأثیر دارند؟ به عبارت دیگر، تحول دینداری به صورت چندجانبه مشخص می‌شوند (پالوتزیان، ۱۹۶۶، ص ۲۴).

نظریه‌پردازانی که دیدگاه آنها در این کتاب بررسی می‌شود، به‌طور عمده از اصول و مفاهیم روان‌شناختی زیر استفاده کرده‌اند تا بتوانند عوامل بنیادین ایجاد تغییرات در دینداری را توضیح دهند:

۱. مفاهیم و اصول روان‌شناختی پیاژه‌ای: از نظر تاریخی پژوهشگران تحول دینی نزدیک به چهار دهه فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی را در دیدگاه پیاژه جستجو می‌کردند؛ پیشنهاد اساسی دیدگاه پیاژه این است که کودکان از میان توالی ثابتی از مراحل تحول شناختی، تحول و نمو می‌یابند و هر مرحله پیچیده‌تر و از جهت کیفی متفاوت از مرحله قبلی است. بر همین مبنا، پژوهش‌های تحول دینی که در درون این چهارچوب انجام شده است، پیشنهاد می‌کند که کودکان مراحل از استدلال اخلاقی و تحول دینداری را می‌گذرانند که مشابه مراحل عمومی تحول شناختی در انسان است و تفاوت‌ها اندک است، بدین معنا که تفکر دینی کودک از تغییری مرحله‌گونه از تفکر خودمحورانه و عینی به سمت تفکر انتزاعی گسترش می‌یابد و بین مراحل تفکر ناظر به معرفت دینی و غیر دینی تفاوت عمده‌ای مشاهده نمی‌شود؛

۲. ترکیبی از مفاهیم و اصول روان‌شناختی پیاژه،<sup>۲</sup> کهلبرگ،<sup>۳</sup> سلمن<sup>۴</sup> و اریکسون:<sup>۵</sup> برخی از پژوهشگران تحول دینی مانند فولر<sup>۶</sup> نه تنها از دریچه یک نظریه روان‌شناختی، بلکه از دریچه چندین نظریه به‌طور همزمان به موضوع دینداری نگاه می‌کنند و در نتیجه مراحل تحول دینداری

1. Paloutzian, R. F.

2. Piaget, J.

3. Kohlberg, L.

4. Selman, R. L.

5. Erikson, E. H.

6. Fowler, J. W.

را در چرخه زندگی توضیح می‌دهند. در این چهارچوب مراحل تحول دینداری براساس تغییر در ابعاد ساختاری بسیار مشخص می‌شود؛ بعد ساختاری دینداری، توانایی‌هایی هستند که بر مبنای تحول سنی و کیفیت تعامل فرد و محیط و کنش متقابل و پیچیده عوامل شناختی، عاطفی، تجربه روانی - اجتماعی، نقش اعمال و نمادهای فرهنگی در نظام روانی فرد شکل می‌گیرد و به منزله تعیین‌کننده‌های زیربنایی شیوه فرد در کشف و فهم محتوای دینداری درمی‌آید.

۳. رویکردهای روان‌شناختی طول عمر (مانند نظریه بالتز)، به عنوان نظریه کارآمد برای بررسی تحول دینی در دوره بزرگسالی به‌ویژه در سنین اوج بزرگسالی (۶۰-۸۰ سال) در نظر گرفته می‌شود. در چهارچوب این نظریه، تحول دینی به منزله امری مادام‌العمر، چندسویه، افزایشی و کاهشی، انعطاف‌پذیر، تعاملی و فرهنگی - تاریخی تفسیر می‌شود. فرض رویکردهای روان‌شناختی طول عمر این است که با افزایش سن، اثر توارث بر مشخصات نوع بشر کاهش می‌یابد، در حالی که عوامل فرهنگی در نیمه دوم زندگی فرد تأثیرگذار می‌شوند.

۴. تحول در انگیزه‌های دینی با استفاده از دیدگاه‌های آلپورت<sup>۲</sup> و براون<sup>۳</sup> تبیین می‌شود. این دیدگاه‌ها چهارچوبی را برای نشان دادن تغییر در انگیزه دینی در طول عمر نشان می‌دهند.

۵. تحول دینداری به منزله اجتماعی شدن با استفاده از نظریه فرهنگی - اجتماعی و یگوتسکی<sup>۴</sup>، نظریه دلبستگی و نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی تبیین می‌شود. این دیدگاه‌ها چهارچوبی را برای تبیین رابطه باور والدین و یافت اجتماعی - کودک و چگونگی جامعه‌پذیری دینی کودک فراهم می‌کند.

## روش تحقیق در حوزه مطالعات تحول دینداری

مطالعات روان‌شناختی در حوزه تحول دینداری ابزار مفهومی و روش شناختی خاصی را به پژوهشگران ارائه می‌کند تا فهمشان را از واقعیت چگونگی تغییرات در دینداری بیشتر کند. ابزار مفهومی، عبارت‌اند از فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی که عهده‌دار تبیین شالوده تغییرات در دینداری هستند و ابزار روش شناختی نیز روش‌هایی روان‌شناختی‌اند که شیوه بررسی تغییرات تحولی و گردآوری داده‌ها را مشخص می‌کنند.

در این باره دو پرسش مطرح می‌شود: پرسش اول که مربوط به حوزه روش‌شناسی بنیادین تحقیق است - و برای متدینان و همچنین روان‌شناسان مهم به شمار می‌آید - این است که آیا

1. Baltec, P. B.

2. Allport, G. W.

3. Brown, L. B.

4. Vygotsky, L. S.

ابزار مفهومی و روش شناختی روان‌شناختی به اندازه کافی از اعتبار برخوردار است که وجوه ناشناخته سیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی را معلوم کند. پرسش در این سطح از نظر تبارشناسی به حوزه فلسفه علم مربوط می‌شود؛ پرسش در این حوزه در پی آن است که آیا حقیقت و واقعیت دینداری با ابزار مفهومی و روش شناختی که روان‌شناسی در اختیار ما می‌گذارد، قابل کشف است، در پاسخ به این پرسش تنش‌های زیادی بین موافقان و مخالفان به وجود آمده است که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. بررسی‌ها در پاسخ به این پرسش در فصل سیزدهم خواهد آمد.

پرسش دوم که با در نظر گرفتن اعتبار تفاسیر روان‌شناختی مطرح می‌شود، این است که در مطالعات تحول دینداری؛ ۱. رویکرد یا روش کلی در انجام تحقیق چیست؟ ۲. ابزار سنجش دین کدام است؟ در اینجا، کوتاه به روش تحقیق در سطح بررسی تغییرات تحولی و روش سنجش تحول دینداری اشاره می‌شود.

پژوهشگران تحول دینداری در سطح بررسی تغییرات تحولی از «روش پیمایش طولی» و «روش پیمایش مقطعی» استفاده می‌کنند. با نظر به ماهیت پژوهش‌های تحول دینداری که جهت‌گیری تغییرات در دینداری در طول زندگی مطالعه می‌شود؛ روش تحقیق مورد استفاده پژوهشگران، بیشتر روش «پیمایش طولی» و «روش پیمایش مقطعی» است. در روش پیمایش طولی، تغییرات در ابعاد دینداری در یک گروه نمونه در یک دوره زمانی بررسی می‌شود و سپس در دوره‌های زمانی مشخصی دوباره وضعیت تغییرات همان گروه اندازه‌گیری می‌شود تا تغییرات در یک دوره مانند دوره کودکی توصیف و براساس نظریه یا نظریه‌های روان‌شناختی علل تغییرات تبیین شود. در روش مقطعی به بررسی وضعیت تغییرات دینداری در سطوح مختلف سنی، در یک مقطع زمانی پرداخته و همانند روش طولی از دیدگاه نظریه‌های تحولی علل تغییرات تبیین می‌شود.

نگاهی تاریخی به سیر تحول در ابزار سنجش دینداری نشان می‌دهد که ابزار رایج در سنجش دینداری در سه دهه اول، به‌طور عمده استفاده از مصاحبه بالینی و تحلیل محتوای آن برای کشف قواعد حاکم بر تحول دینی بوده، ولی به تدریج مقیاس‌هایی برای سنجش تحول دینداری ساخته و ارائه شده است. برخی از این مقیاس‌ها در فصل چهارم کتاب مقیاس‌های تحول دینداری<sup>۱</sup> ویراسته پیتربیل<sup>۲</sup> و رالف هود<sup>۳</sup> آمده است و پژوهشگران می‌توانند برای آگاهی از اصل مقیاس یا پرسشنامه و چگونگی پایایی، اعتبار و هنجاریابی به آن مراجعه کنند. خلاصه‌ای از مقیاس‌های بیان‌شده که

1. *Measures of Religiosity*

2. Hill, Peter C.

3. Hood Ralph W.

در بردارنده عنوان مقیاس، پدیدآورنده، سال، کاربرد و توصیف کلی سنجش‌هاست، در کتابی با نام معرفی مقیاس‌های دینی آمده است (ر.ک: آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۲). در جدول شماره ۱ به مقیاس‌های تحول دینداری که در فصل چهارم و سایر فصول این کتاب آمده، اشاره شده است.

جدول ۱: مقیاس‌های تحول دینداری

شماره	عنوان مقیاس	پدیدآورنده	سال	کاربرد	توصیف کلی
۱	فهرست تجربه مسیحی CEI	آلتر Alter, M. G.	۱۹۸۹	سنجش اعتقاد بزرگسالان در مورد تجربه ارتباط با خداوند به عنوان یک شخص	۲۴ ماده با پنج زیرمقیاس تحول ایمان، توکل به خدا، ارزش ایمان، توجه به دیگران و توجیه ایمان
۲	راهنمای مصاحبه تحول ایمان	فولر Fowler, J. W.	۱۹۸۱	تعیین سطح تحول ایمان فرد به‌طور کلی	۳۴ سؤال در چهار زیرمقیاس برای مصاحبه کردن
۳	مقیاس تحول ایمان	بارنز و همکاران Barnes, M.	۱۹۸۹	تعیین تحول ایمان براساس نظریه‌های تحول روانی - اجتماعی ریکسون، شناختی پیاژه و تحول اخلاقی کهلبرگ	نه ماده که هر ماده دارای دو گزینه A و B است و سطوح چهارگانه‌ی نیز برای آنها مشخص شود.
۴	مقیاس بلوغ ایمان FMS	بنسون و همکاران Benson, P. L.	۱۹۹۳	سنجش میزان ولویت، وفاداری و ویژگی‌های نگرشی فرد و درباره ایمان پرشور و پویا به عنوان سنت‌های اصلی پروتستان	۳۸ ماده با هفت درجه گزینه‌های لیکرت
۵	شاخص‌های دینی سنجش بلوغ RIMS	مارتای Marthai, R.	۱۹۸۰	ندازه‌گیری بلوغ دینی از راه سنجش احساسات و جهت‌گیری شخص در زندگی دینی	۲۵ ماده با پنج درجه گزینه‌های لیکرت
۶	مصاحبه شأن دینی RSI	مالونی Malony, H. N.	۱۹۸۸	سنجش بلوغ دینی مسیحی	جدول زمان‌بندی مصاحبه یک‌ساعته مشتمل بر ۳۳ پرسش پنج‌درجه‌ای
۷	فهرست شئون دینی	جکسون و همکاران Jackson, C.	۱۹۹۴	سنجش بلوغ دینی مسیحی از جهت دارا بودن هویت و تمامیت مسیحی و الهام	۱۶۰ ماده که با گزینه‌های پنج‌درجه‌ی لیکرت سنجیده می‌شوند.
۸	شاخص‌های بلوغ معنوی SMI	الیسون Ellison, C. W.	۱۹۸۳	سنجش فرآیند تحولی و مستمر بلوغ دینی مسیحی	سی ماده با گزینه‌های شش‌درجه‌ی لیکرت

شماره	عنوان مقیاس	پدیدآورنده	سال	کاربرد	توصیف کلی
۹	فهرست سنجش معنویت SAI	هال و ادواردز Hall, T. W. & Edwards, K. J.	۱۹۹۶	سنجش تحول یا بلوغ معنوی فرد	۳۶ ماده که پنج عامل را می‌سنجند: ناپایداری، تدافعی، آگاهی، پذیرش واقع‌نگر و عظمت
۱۰	پرسشنامه خوشی معنوی SWB	موربرگ Moberg, D. O.	۱۹۸۴	ارزیابی دینداری برحسب تحول و بلوغ معنوی	۹۳ ماده در پنج مقوله: باورها و نگرش‌ها (۵۰)، فعالیت‌های اجتماعی (۱۶)، عواطف (۸)، هویت و فعالیت‌های دینی (۱۴) و ویژگی‌های شخصی (۵).
۱۱	پرسشنامه‌های خداوند/خانواده	ریزوتو Rizzuto, A. M.	۱۹۷۹	مطالعه چگونگی شکل‌گیری مفهوم خداوند در فرد	۴۵ ماده تکمیل کردنی در هجده بخش مربوط به پرسشنامه خداوند و ۲۳ ماده تکمیل کردنی مربوط به پرسشنامه خانواده
۱۲	مقیاس غیرکلامی مفهوم خداوند	باست و همکاران Bessett, E.	۱۹۹۴	شناسایی تفاوت‌های تحول شناختی افراد در مفاهیم خدا	۲۱ کارت سیاه و سفید دارای اشکال خاص که به وسیله آزمودنی‌ها انتخاب می‌شوند.

در مورد روش پژوهشی به کار گرفته شده در تدوین این کتاب که به منزله مقدمه‌ای برای تولید دانش روان‌شناسی تحول بومی و اسلامی در نظر گرفته می‌شود، از شیوه‌های زیر استفاده شده است:

۱. توصیف و تحلیل نظریه‌ها به گونه‌ای که با مطالعه هر نظریه؛ موضوع دینی مورد مطالعه، چهارچوب روان‌شناختی به کار گرفته شده، ابزار سنجش، روش پژوهش و یافته‌ها مشخص و با مطالعه کتاب و مجموع نظریه‌ها سیر تحولی نظریه‌پردازی شناخته می‌شود.
۲. بررسی انتقادی نظریه‌ها از راه بیان نقاط قوت و ضعف نظریه‌ها، به‌طور مجزا و در ارتباط با هم و اینکه هر نظریه‌ای چه کمبودی از کار نظریه‌پردازان پیشین را برطرف کرده است.
۳. مطالعه ظرفیت‌های بومی - اسلامی برای تولید دانش روان تحول دینداری در ایران و ارائه پیشنهادهایی برای پیشبرد آن.

## رویکرد و طرح کتاب

پژوهش‌های بسیاری در طول هفت دهه گذشته و به‌ویژه در دو دهه اخیر در زمینه تحول دینداری انجام شده که به پدیدایی نظریه‌های متعدد و متنوعی منجر شده است.



گزارش همه نظریه‌ها در یک کتاب ممکن نبود و از این رو، معیارها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شد و براساس آنها، نظریه‌ها گزینش و در کتاب آورده شد. پیش از ورود به متن دانستن جهت‌گیری‌ها، چگونگی سازماندهی کتاب برای مخاطبان سودمند است.

### جهت‌گیری‌ها در گزینش نظریه‌ها

۱. جهت‌گیری نگاه به پدیده دینداری از دیدگاه‌های شناختی، اجتماعی، انگیزشی و عاطفی، به گونه‌ای که از کنار هم قرار دادن آنها، فهمی نسبتاً جامع نسبت به تحول دینداری فراهم شود.
  ۲. جهت‌گیری گزینش نظریه‌ها، به گونه‌ای که از کنار هم قرار دادن آنها، تحول دینی از دوره طفولیت تا دهه هفتم و هشتم زندگی تبیین و دیدگاهی نسبتاً جامع نسبت به تحول دینداری در گستره زندگی از تولد تا پیری فراهم شود.
  ۳. جهت‌گیری انتخاب نظریه‌ها، به گونه‌ای که موضوعات مختلف دینی (مانند تصور خدا، ایمان، دعا و...) را دربرگیرد.
  ۴. جهت‌گیری بیان تفصیلی برای نظریه‌هایی که از برجستگی و اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند و بیان اجمالی برای نظریه‌هایی که از نظر صاحب‌نظران این حوزه کم‌اهمیت‌تر تلقی شده‌اند.
  ۵. جهت‌گیری گزارش پیشینه خودی (وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی در ایران) و پیشینه تلاش دانشمندان مسیحی برای مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری.
- براساس معیارها و جهت‌گیری‌های بالا، دیدگاه‌های ۲۴ نفر از پژوهشگران گزینش شد که اسامی آنها و اینکه بر مبنای کدام رویکرد، مطالعه خود را انجام داده و در کدام موضوع دینی و در چه مقطع سنی به بررسی پرداخته‌اند؛ در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: اسامی نظریه‌پردازان، موضوع دینی مورد مطالعه، رویکرد و مقطع سنی

مقطع سنی	موضوع دینی مورد مطالعه	نظریه‌پرداز	رویکرد
کودکی و نوجوانی	عقاید اساسی مسیحیت	گلدمن <sup>۱</sup>	رویکرد شناختی تحول دینداری
کودکی و نوجوانی	مفاهیم: دعا، هویت فرقه‌ای	الکابند <sup>۲</sup>	
طول عمر	و خدا	فولر <sup>۳</sup>	
طول عمر	تحول ایمان داوری دینی	اُسبر و گماندر <sup>۴</sup>	

1. Glodman, R.

2. Elkind, D.

3. Fowler, J.

4. Oser, F. & Grunder, P.

مقطع سنی	موضوع دینی مورد مطالعه	نظریه پرداز	رویکرد
کودکی و نوجوانی طول عمر	تجربه دینی جهت‌گیری دینی	هارمز <sup>۱</sup> مدو و کاهو <sup>۲</sup>	رویکرد عاطفی و انگیزشی تحول دینداری
طول عمر طول عمر تا دهه هفتم و هشتم زندگی کودکی و نوجوانی	شکل‌گیری دینی و معنوی و یوم‌شناسی آن گشتالت دینی رابطه باور دینی کودک - بافت اجتماعی	ایستپ <sup>۳</sup> کلدن <sup>۴</sup> و لیشرفلد <sup>۵</sup> جمعی از پژوهشگران	رویکرد اجتماعی تحول دینداری
طول زندگی کودکی و نوجوانی طول عمر طول عمر	محتوا و کیفیت ایمان مفهوم رستگاری ایمان و مفاهیم دینی ایمان	پاورز <sup>۶</sup> کورنیژوک <sup>۷</sup> استفانز <sup>۸</sup> ایسپارکمن <sup>۹</sup>	مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری
- کودکی و نوجوانی	ایمان ایمان شناخت خدا، نبوت، ایمان، دعا	علامه طباطبایی غزالی جمعی از پژوهشگران: نادری، خادمی، اسکندری، چاری، دادستان، نوذری، موسوی‌نسب کرمانی، حیدری	تحول دینداری در ایران

## سامان‌دهی کتاب

با در نظر گرفتن جهت‌گیری‌های بیان‌شده؛ بخش‌ها و فصول کتاب به صورت زیر سامان‌دهی شده است:

کلیات به مباحثی درباره ماهیت و قلمرو تحول دینی اختصاص یافته است و در واقع، مرجعی برای فهم فصول بعدی است. دین در کاوش‌های روان‌شناختی چگونه تعریف می‌شود، فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی برای تبیین تحول دینداری کدام است، حوزه مطالعاتی

1. Harms, E.

2. Meadow, M. J. & Kahoe, R. D.

3. Estep, J. R.

4. Kladen, T.

5. Lichterfeld, U.

6. Powers, B.

7. Korniejczuk, V. A.

8. Stephens, L.

9. Sparkman, T.

روان‌شناسی تحول دینی چگونه تعریف می‌شود و دارای چه تاریخچه‌ای است؛ از مجموعه مباحثی است که تصویر خوبی را از حوزه روان‌شناسی تحول دینی در آغاز کتاب برای خوانندگان فراهم می‌کند.

بخش اول کتاب به گزارش و نقد رویکرد شناختی مطالعات تحول دینداری اختصاص یافته و در آن نظریه‌های گلدمن، الکایند، فولر، اُسر و گماندر در قالب چهار فصل (فصل ۱-۴) بررسی شده است.

بخش دوم به گزارش و نقد تحول دینداری از نظر احساسی و انگیزشی می‌پردازد و دربردارنده نظریه‌های هارمز (فصل پنجم) و نظریه مدو و کاهو (فصل ششم) می‌باشد.

بخش سوم به گزارش و نقد مطالعات تحول دینداری از دیدگاه اجتماعی می‌پردازد و سه فصل (فصل ۷-۹) به آن اختصاص یافته است.

بخش چهارم، تلاش‌های عالمان و معتقدان مسیحی را برای مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری نشان می‌دهد که هدف آن آگاهی از تجارب آنها در مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری و سپس استفاده از این تجربه‌ها در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی دانش است.

بخش پنجم نیز به بیان پیشینه دانش روان‌شناسی تحول دینداری در ایران اختصاص یافته است که در فصل دوازدهم به پیشینه مطالعات عرفانی و تفسیری در زمینه مراحل تحول دینداری و فصل سیزدهم به پیشینه مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری می‌پردازد و پیشینه کمی بیش از دو دهه گزارش می‌شود. هدف از این دو فصل نشان دادن ظرفیت‌هایی است که در منابع خودی برای بومی و اسلامی‌سازی دانش روان‌شناختی تحول دینی وجود دارد.





## نظریه‌های شناختی – ساختاری تحول دینداری

### فصل اول

مراحل تفکر دینی و مفاهیم اعتقادی از کودکی تا نوجوانی (گلدمن)

### فصل دوم

مراحل تحول دینداری و هویت فرقه‌ای دینی (الکایند)

### فصل سوم

مراحل ایمان (فولر)

### فصل چهارم

مراحل تحول داوری دینی (أسیر و گماندر)

## مقدمه

در مبحث تعریف دینداری در مبحث آغازین کتاب اشاره شد که روان‌شناسان دینداری را برحسب ابعاد آن (شناختی، تجربه دینی، اجتماعی، انگیزشی و...) مطالعه می‌کنند. بعد شناختی دینداری نتیجه طبیعی مواجهه انسان به عنوان موجودی عقلانی یا متون دینی است. متون دینی مجموعه‌ای از گزاره‌ها درباره خدا، صفات او، جهان آخرت، رابطه خدا و انسان و... است؛ انسان یا تفکر در آنها به فهمی از حقایقی که متون دینی از آنها حکایت می‌کند، دست می‌یابد و در معنا دادن به زندگی بر آنها تکیه می‌کند. شناخت دینی دربردارنده عقاید و ارزش‌های دینی است و در روان‌شناسی فرآیند کسب و اکتساب آنها از تولد تا پیری مطالعه می‌شود. بررسی‌ها در این زمینه از دو جریان فکری نشأت گرفته است: جریان اول جریانی است که نظریه پیازه را در تبیین فرآیند تحول دینداری به کار می‌گیرند. نظریه پیازه درباره مراحل عمومی تحول تفکر در انسان زمینه طرح سه فرضیه اساسی را در مورد مراحل تحول تفکر دینی در ذهن پژوهشگران حوزه تحول دینی فراهم کرده است؛ نخستین فرضیه این بود که آیا شناخت انسان از موضوعات و گزاره‌های دینی در قالب مراحل (مرحله به مفهوم روان‌شناختی) شکل می‌گیرد. دومین فرضیه این بود که آیا موضوعات و گزاره‌های دینی، مانند مراحل عمومی تحول شناختی از یک مرحله مبهم به مرحله عینی و انتزاعی گسترش می‌یابد و در هر مرحله درک مفاهیم دینی از جهت مفهومی پیچیده‌تر و از جهت کیفی متفاوت‌تر است. فرضیه سوم این بود که آیا مراحل تحول شناخت دینی یا مراحل عمومی تحول شناختی پیازه همسانی دارد.

قریب به سه دهه (۱۹۶۴-۱۹۹۱) سنجش فرضیه‌های بالا، برای پژوهشگران جذابیت فراوانی داشته و بسیاری از آنها برانگیخته شدند تا پژوهش‌های گسترده‌ای را در این باره انجام دهند. نتیجه این مطالعات در طول این سال‌ها منجر به پیدایش نظریه‌های شناختی زیادی در حوزه تحول دینی

شده است. الکایند<sup>۱</sup> که فردی برجسته در حوزه مطالعات تحول دینی به شمار می‌آید، همه تحقیقات خود را در چهارچوب نظریه پیاژه و یا به‌کارگیری مفاهیم پیاژه‌ای انجام داده است (ر.ک: الکایند، ۱۹۶۱، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰). گلدمن<sup>۲</sup> که مراحل درک بسیاری از مفاهیم دینی را بررسی کرده است، وضعیتی مشابه الکایند دارد. تبیین یافته‌ها در نظریه گلدمن به‌طور کامل برگرفته و مبتنی بر مفاهیم اندیشه‌های پیاژه است (ر.ک: گلدمن، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵). فولر<sup>۳</sup> به عنوان برجسته‌ترین نظریه‌پرداز در حوزه مراحل تحول ایمان، نظریه خود را بر دیدگاه پیاژه، کهلبرگ<sup>۴</sup> و اریکسون<sup>۵</sup> مبتنی کرده که در این میان نقش دیدگاه پیاژه برجسته‌تر است (ر.ک: فولر، ۱۹۸۱). همچنین، دیدگاه پست‌لینگ<sup>۶</sup> (۱۹۷۱) که در چهارچوب شناختی پیاژه قابل درک است. در جدول ۱، برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان پیرو پیاژه و آثار و موضوع دینی مورد پژوهش آنها، نشان داده شده است (کورنیژوک، ۱۹۹۳).

جدول ۱: برخی از نظریه‌پردازان پیرو پیاژه، آثار و موضوع دینی مورد مطالعه

موضوع دینی مورد مطالعه	نویسنده	مرجع
تفکر دینی	آر. گلدمن	تفکر دینی از کودکی تا نوجوانی (۱۹۶۴)
ایده خدا	جی. دکونچی <sup>۷</sup>	ایده خدا (۱۹۶۵)
مفهوم عبادت	دی. لانگ <sup>۸</sup> ؛ دی. الکایند و بی. اسپیلکا <sup>۹</sup>	مفهوم عبادت در کودکان (۱۹۶۷)
هویت دینی	دی. الکایند	واقعیت دین نزد کودک (۱۹۷۸)
ایمان	جیمز دبلیو. فولر	مراحل ایمان (۱۹۸۱)
مفاهیم الهیاتی	این. ویکفیلد <sup>۱۰</sup>	کودکان و مفاهیم الهی‌شان (۱۹۸۶)
تحول معنوی	ال. استیل <sup>۱۱</sup>	روان‌شناسی تحول و تحول معنوی (۱۹۸۶)
تحول معنوی	دی. هلمینیاک <sup>۱۲</sup>	تحول معنوی (۱۹۸۷)
داوری دینی	آر. اوسر و گماندر <sup>۱۳</sup>	داوری دینی (۱۹۹۱)

(برگرفته از: کورنیژوک، ۱۹۹۳)

1. Elkind, D.
2. Glodman, R.
3. Fowler, J.
4. Kohlberg, L.
5. Erikson, E. H.
6. Peatling, J.
7. Deconchy, G.
8. Long, G.
9. Spilka, B.
10. Wakefield, N.
11. Steel, L.
12. Helminiak, D.
13. Oser, F. & Gmunder, P.

نظریه پردازان یادشده، گرچه جرح و تعدیل‌هایی را در دیدگاه پیاژه به عمل آورده‌اند، ولی اندیشه‌های پیاژه جوهر اصلی نظریه آنها را تشکیل می‌دهد. دیدگاه پیاژه کمک می‌کند تا ایده عمومی این پژوهشگران را درباره اینکه چگونه مطالعاتشان را انجام داده‌اند و چگونه دیدگاهشان را درباره فرآیندهای تغییر در دینداری از کوچکی تا بزرگسالی به دست آورده‌اند، داشته باشیم. پیشنهاد اساسی دیدگاه پیاژه این است که کودکان از خلال توالی ثابتی از مراحل تحول شناختی تحول می‌کنند و هر مرحله پیچیده‌تر و از جهت کیفی متفاوت از مرحله پیشین است. بر این مبنا، تحقیقات تحول دینی که در این چهارچوب انجام شده است، پیشنهاد می‌کند که کودکان مرحله‌ای از استدلال اخلاقی و تحول دینداری را بپیمایند که مانند مراحل عمومی تحول شناختی در انسان است یا تفاوت‌هایی اندک است، بدین معنا که تفکر دینی کودک از تغییری مرحله‌گونه، از تفکر خودمحوارانه و عینی به سمت تفکر انتزاعی گسترش می‌یابد و بین مراحل تفکر ناظر به معرفت دینی و غیر دینی تفاوت عمده‌ای مشاهده نمی‌شود (پالوتزیان، ۱۹۹۶، ص ۸۴).

در مجموع، در زمینه نقش پیاژه در قلمرو تحول دینی به یقین می‌توان ادعا کرد که رویکرد شناختی تحول دینی ریشه در مفاهیم و اصول روان‌شناختی پیاژه دارد و دارای ویژگی زیر است:

۱. تحول دینداری در قالب مراحل و یا ارجاع به سن مشخص می‌شود؛
۲. مراحل تحول دینی در این نظریه‌ها بر اساس ساختار و نه محتوا مشخص می‌شوند؛ ساختارها توانایی‌هایی هستند که بر مبنای تحول سنی و کیفیت تعامل فرد و محیط و کنش متقابل و پیچیده عوامل شناختی، عاطفی، تجربه روانی - اجتماعی، نقش اعمال و نمادهای فرهنگی در نظام روانی فرد شکل می‌گیرد و به منزله تعیین‌کننده‌های زیربنایی شیوه فرد در کشف و فهم محتوای دینی درمی‌آیند. ساختارها از این ویژگی برخوردارند که در همه اشکال دینداری؛ خواه مسیحی و خواه اسلامی و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، به شکل واحدی آشکار و به منزله علت برای تغییر کیفی در محتوای دینداری لحاظ می‌شوند.
۳. مراحل باید تفاوت کیفی داشته باشند؛ یعنی در هر مرحله، پتانسیل خاصی برای حل مشکل بروز می‌کند که تا فراسوی مرحله پیشین امتداد دارد.
۴. این مراحل توالی بیکنواختی و اشکال می‌دهند، به گونه‌ای که مراحل پیشین نمی‌توانند تغییر کنند و هیچ مرحله‌ای را نمی‌توان دور زد، زیرا هر مرحله بر نتایج مراحل قبلی مبتنی است. در نتیجه، احتمال و پس‌روی<sup>۱</sup> به سوی مرحله پایین‌تر وجود ندارد، به گونه‌ای که تحول فرآیندی برگشت‌ناپذیر دانسته می‌شود.

1. regression